

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه چهل و یکم ۹۵/۱۰/۱۴

عصمت ائمه اهل بیت (علیهم السلام) از زبان پیغمبر اکرم و دیگر ائمه (علیهم السلام)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی

رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی أعدائهم أعداء الله الی یوم لقاء الله

در ادامه مباحث دیروز به بحث عصمت ائمه طاهرین (علیهم السلام) رسیدیم. در ادامه بحث کردیم که آیا

«ارادة الله» در آیه تطهیر، اراده تکوینی است یا اراده تشریحی و این «ارادة الله» تخلف پذیر هست یا نه!!

در این رابطه بیان کردیم که بهترین و عالی‌ترین جواب این است که خداوند عالم می‌داند که این‌ها تا ابد نمی‌خواهند

هیچ گناهی را مرتکب شوند. همین اراده قاطع این بزرگواران ولو اینکه بگوئیم عملی باید باشد؛ سبب شده که مشمول

عنایت ویژه خداوند متعال شوند و سبب شده تا این بزرگواران تصور گناه را هم نکنند.

نکته‌ای که برای بعضی افراد در رابطه با ارادة الله مشتبه شده است، این است که تصور می‌کنند وقتی خداوند می

فرماید:

(إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)

هنگامی که چیزی را اراده کند فرمان او تنها این است که می‌گوید موجود باش! آن هم موجود می‌شود

سوره یس (۳۶): آیه ۸۲

تصور می‌کنند زمانی که خداوند متعال اراده کرد، مراد، بالفور باید در خارج تحقق بی‌پذیرد. این مسئله اشتباه است!

بلکه اراده به هر نوعی تعلق بگیرد؛ همان نتیجه را دارد. یک مرتبه می‌گوییم که اراده او این است که الآن این شیء محقق شود و محقق می‌شود. یک مرتبه اراده او این است:

(إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ)

پروردگار شما خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید.

سوره اعراف (۷): آیه ۵۴

اراده خداوند تعلق گرفته است تا خلقت آسمان و زمین در شش روز صورت بگیرد. آنچه کیفیت اراده است آن کیفیت در خارج تحقق می‌پذیرد. خداوند متعال اراده کرده است که خلقت آسمان و زمین در شش شبانه روز محقق شود و قطعاً هفت روز نخواهد شد.

آنچه کیفیت اراده الله به او تعلق گرفت است، آن مسئله تحقق پذیرفته است. در رابطه با ائمه طاهرين (عليهم السلام) هم اراده تعلق گرفته است که تا آخر عمر این بزرگواران فیض و عنایت الهی را داشته باشند که با توجه به این عنایت الهی گناه و معصیتی مرتکب نشوند.

یکی از دوستان ما به نام آقای «باقرزاده» که امام جمعه یکی از شهرهای شمال بود، یک رساله سطح چهار تحت عنوان آیه تطهیر گردآوری کرده بودند که ظاهراً دفتر تبلیغات هم این رساله را به چاپ رساند.

ایشان سه سال تمام روی این رساله کار کردند و بنده هم که استاد راهنما بودم، وقت زیادی روی این رساله گذاشتم و دقت کردم که اشکالات آن را به طور مفصل بگیرم.

احساس می‌کنم در رابطه با آیه تطهیر، این کتاب، جامع‌ترین کتابی است که در این چند سال اخیر به چاپ رسیده است. بنده عنوان این کتاب را به خاطر ندارم، اگر دوستان از دفتر تبلیغات سؤال کنند می‌توانند این کتاب را پیدا کنند. در این کتاب جداگانه بررسی شده است که کلمه (إِنَّمَا) و کلمه (أَرَادَ) به چه معناست و آیا این مسئله جبرآفرین است یا ارتباطی به جبر ندارد و عین اختیار است!!

عزیزان می‌توانند این کتاب را تهیه کنند، زیرا کار بسیار خوبی است. البته بنده فایل این کتاب را دارم و می‌توانم در اختیار دوستان قرار بدهم تا به صورت ورد یا پی‌دی‌اف به شما تقدیم کنند.

آنچه در حال حاضر مهم است و در محیط‌های دانشگاهی و جامعه ما مطرح است، این است که افرادی از خودمان در رابطه با عصمت شبهاتی دارند که واقعاً نمی‌دانیم با این افراد چطور برخورد کنیم.

من از بیگانگان هرگز ننالم

که با من هرچه کرد آن آشنا کرد

اگر وهابیت منکر عصمت ائمه طاهرين (عليهم السلام) شوند مسئله‌ای طبیعی است و توقعی غیر از این هم نداریم، اما اخیراً امثال آقای «کدیور» در محیط‌هایی که قرار دارند این مباحث را مطرح کردند.

البته قبل از اینکه ایشان وطن فروشی کند و فرار کند در دامن بیگانگان قرار بگیرد، در یکی از دانشگاه‌های کشور سخنرانی کرده بود و ادعا کرده بود که اصلاً قضیه عصمت ائمه طاهرين و اینکه آن بزرگواران منصوص الخلافه هستند در قرآن کریم و سنت مطرح نشده است!! و این مباحث در قرون سوم و چهارم توسط علما تأسیس شده است و افرادی امثال «شیخ مفید» بنیانگذار عصمت ائمه طاهرين (عليهم السلام) هستند!!!

وگر نه، نه ائمه خودشان ادعا کردند که ما معصوم هستیم و نه حدیث دیگری داریم که در قرن اول و دوم بیان شده باشد که ائمه طاهرین (علیهم السلام) معصوم باشند!!

افرادی امثال او روی این مسئله مانور زیادی دادند و همین مسئله دستمایه تبلیغ وهابیت علیه شیعیان شد و آن‌ها از قول شیعه مطالبی را بر علیه شیعه مطرح کردند.

البته قبل از او «سید مصطفی طباطبایی» که فعلاً پرچمدار وهابیت در ایران است، مطالبی را بیان کرده بود. همچنین افرادی نظیر «شریعت سنگلجی» و «برقعی» مطالب بی‌اساسی در این زمینه مطرح کرده بودند.

ولی اینکه یک عالم شیعه و تحصیلکرده حوزه این مطالب را مطرح کند، نشانگر این است که این افراد اهل مطالعه نیستند، سواد آنچنانی هم ندارند و همچنین فرصت مطالعه هم ندارند. آن‌ها به قدری در کارهای سیاسی و مطالب نادرست غرق شده‌اند که فرصت مطالعه ندارند.

اتفاقاً زمانی که این شبهات مطرح شده بود، بنده برای معالجه به آلمان رفته بودم و چند هفته در بیمارستان بودم. در این زمان با توجه به اینکه تلفن هم نبود فرصت خوبی پیدا کردم تا بینم اصلاً عصمت ائمه طاهرین از زبان خودشان با کلام صریح مطرح شده یا خیر!؟

بنده به دنبال این بودم که بینم آیا ائمه طاهرین (علیهم السلام) مطالبی بیان کردند که ما معصوم هستیم و خداوند عالم ما را معصوم آفریده است یا خیر!! بنده در این زمینه بسیار جستجو کردم، اما ندیدم کسی مطالبی در این خصوص جمع‌آوری کرده باشد.

بنده بخشی از این مطالب را خدمت دوستان عرض می‌کنم و فایل آن را هم در اختیار دوستان قرار می‌دهم.

روایاتی از زبان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که ایشان از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و ایشان هم از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل کرده است. حضرت می فرماید:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْقَضِيبِ الْيَاقُوتِ الْأَخْمَرِ الَّذِي غَرَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِيَدِهِ وَ يَكُونَ مُتَمَسِّكاً بِهِ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيّاً
وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ»

هرکسی می خواهد در بهشت از نعمت های بهشتی استفاده کند، باید حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و ائمه طاهرين را به ولایت بپذیرد.

«فَإِنَّهُمْ خَيْرَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَفْوَتُهُ وَ هُمْ الْمَغْضُومُونَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج ۲،

ص ۵۷، ح ۲۱۱

روایت در این زمینه به قدری زیاد است که فوق استفاضه است. اگر روایت ضعیف هم باشد، به دلیل اینکه مستفیض است نیازی به بررسی سندی ندارد.

همچنین در کتاب «کفایة الأثر» وارد شده است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می فرمایند:

«أَنْتَ الْإِمَامُ أَبُو الْأَئِمَّةِ الْإِخْتَى عَشْرَةَ مِنْ صُلْبِكَ أَيْمَةٌ مُطَهَّرُونَ مَغْضُومُونَ»

کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، نویسنده: خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسینی

کوهکمری، عبد اللطیف، ص ۱۵۱

همچنین روایت دیگری در کتاب «سلیم بن قیس» در رابطه با آیه تطهیر که در حق حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و فرزندان آن بزرگوار نازل شده است. حضرت می‌فرمایند:

«أَتَذُرُونَ مَا الرَّجْسُ» يَا سَلْمَانَ قَالَ: لَا. قَالَ: الشُّكُّ، لَا يَشْكُونَ فِي شَيْءٍ جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ أَبَدًا، مُطَهَّرُونَ فِي وُلَادَتِنَا وَ طَيْبَتِنَا إِلَى آدَمَ، مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ»

کتاب سلیم بن قیس الهمالی، نویسنده: هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، ج ۲، ص ۹۰۹

پرسش:

آیا در مورد «سلیم بن قیس» تشکیک وجود دارد؟

پاسخ:

نه این‌طور نیست. آقای «خوئی» به صراحت می‌گوید: کتاب «سلیم بن قیس» از کتب معتبر و معتمد شیعه است. و «سلیم بن قیس» مورد وثوق است، منتها بحث سر این است که آقای «أبان بن ابی عیاش» که ناقل این روایت است ثقة است یا نه. مرحوم «نوری» در کتاب «مستدرک» چندین دلیل بر اعتبار آقای «أبان بن ابی عیاش» می‌آورد. کتاب «سلیم بن قیس» قطعاً از کتب معتبر است. بحث سر این است که آیا این کتاب عیناً همان کتابی است که «سلیم بن قیس» به «أبان بن ابی عیاش» تحویل داده است یا در گذر تاریخ دستخوش تغییرات شده است! به علاوه مرحوم «کلینی» در کتاب «کافی» روایات متعددی از «سلیم بن قیس» نقل کرده است. اگر روایاتی که از «سلیم بن قیس» نقل کرده‌اند جمع شود، مجموعه‌ای خواهد شد.

همچنین مرحوم «شیخ طوسی» در کتاب «کمال الدین» و «عیون أخبار الرضا» و «ابن شهر آشوب» در «مناقب» از «عبدالله بن عباس» نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ»

عیون أخبار الرضا علیه السلام، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: لاجوردی، مهدی، ج ۱،

ص ۶۴، ح ۳۰

آقایانی که ادعا می‌کنند ما چنین روایاتی نداریم و این مسئله عصمت در قرن سوم و چهارم توسط افرادی مانند «شیخ مفید» و دیگران تأسیس شده است، به این روایات توجه کنند و ببینند که «سلیم بن قیس» معاصر و از اصحاب حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بوده است.

«سلیم بن قیس» از اصحاب حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، امام حسن (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) بوده است و در اوایل قرن اول هجری می‌زیسته است.

همچنین کتاب «کمال الدین» تمام روایاتی که در قرن اول و دوم و سوم بوده است را جمع‌آوری کرده است؛ درحالی‌که آن‌ها ادعا می‌کنند: ما یک روایت از ائمه طاهرین نداریم که ادعا کرده باشند ما معصوم هستیم.

در کتاب «کفایة الأثر» که یکی از کتب معتبر شیعه است، روایتی از «عمار» نقل شده است مبنی بر اینکه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) هنگام احتضار حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را خواستند و با او مطالبی را به صورت سری مطرح کرد. رسول گرامی اسلام در ادامه خطاب به حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند:

«يا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيٌّ وَ وَاثِيٌّ»

سپس فرمودند:

«وَمِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ يُخْرِجُ اللَّهُ الْأُمَّةَ التَّسْعَةَ مُطَهَّرُونَ مَغْضُومُونَ وَمِنَّا مَهْدَى هَذِهِ الْأُمَّةِ»

کفایة الأثر فی النّصّ علی الأئمة الإثنی عشر، نویسنده: خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسینی

کوهکمری، عبد اللطیف، ص ۱۲۴، باب ما جاء عن عمار بن یاسر

همچنین روایتی از امام حسین (علیه السلام) وارد شده است که از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)

نقل کرده اند. حضرت می فرمایند:

«يا عَلِيُّ هَذِهِ آيَةُ نَزَلَتْ فِيكَ وَ فِي سِبْطِي»

سپس می فرمایند:

«الْأُمَّةُ بَعْدَكَ مُطَهَّرُونَ مَغْضُومُونَ وَ أَعْدَاؤُهُمْ مَلْعُونُونَ»

کفایة الأثر فی النّصّ علی الأئمة الإثنی عشر، نویسنده: خزاز رازی، علی بن محمد، محقق / مصحح: حسینی

کوهکمری، عبد اللطیف، ص ۱۵۶، باب ما روی عن أمير المؤمنين علی بن أبي طالب ص عن النبي ص فی

النصوص علی الأئمة الاثنی عشر ع

خیلی واضح و روشن است. همچنین «علی بن ابراهیم» در کتاب «تفسیر قمی» آورده است:

«وَلَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ قَالَ إِنِّي وَ أَهْلَ بَيْتِي مُطَهَّرُونَ فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضَلُّوا- وَ لَا

تَتَخَلَّفُوا عَنْهُمْ فَتَزَلُّوا- وَ لَا تُخَالِفُوهُمْ فَتَجْهَلُوا- وَ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ هُمْ أَعْلَمُ النَّاسِ كِبَاراً وَ أَحْلَمُ

النَّاسِ صِغَاراً- فَاتَّبِعُوا الْحَقَّ وَ أَهْلَهُ حَيْثُ كَانَ»

تفسیر القمی، نویسنده: قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ج ۱، ص ۵، باب

مقدمة المصنف

این روایات از زبان رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بیان شده است مبنی بر اینکه پیغمبر اکرم بیان فرمودند که ائمه طاهرین (علیهم السلام) از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) مطهر و معصوم هستند. در این روایات به صراحت بیان شده است که ائمه طاهرین (علیهم السلام) از هر خطایی معصوم هستند.

روایاتی از زبان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

در کتاب «خصال» با روایت صحیح از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) روایتی بیان شده است که در آیه شریفه:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

خدا را اطاعت کنید، و رسول و کارداران خود را- که خدا و رسول علامت و معیار ولایت آنان را معین کرده- فرمان ببرید.

سوره نساء (۴): آیه ۵۹

امیرالمؤمنین فرمودند:

«إِنَّمَا الطَّاعَةُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِيُؤَلِّهِ الْأَمْرِ وَ إِنَّمَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِطَاعَةِ الرَّسُولِ لِأَنَّهُ مَعْصُومٌ مُطَهَّرٌ لَا يَأْمُرُ بِمَعْصِيَتِهِ
وَ إِنَّمَا أَمَرَ بِطَاعَةِ أُولِي الْأَمْرِ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ لَا يَأْمُرُونَ بِمَعْصِيَتِهِ»

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۱۵۸

پرسش:

معنای «مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ» با هم فرق دارد که حضرت آن‌ها را جدا آورده است؟!

پاسخ:

«مُطَهَّرٌ» یک معنایی دارد و به معنای «ان الله طهرهم» است، اما «مَعْصُومٌ» به معنای این است که خداوند عالم حصارى اطراف ائمه طاهرين (عليهم السلام) قرار داده است و فاصله‌ای میان آن‌ها و گناه و معصیت قرار داده است.

پرسش:

آیا عصمت بالاتر از تطهیر است؟!

پاسخ:

عصمت نتیجه تطهیر است. ما به دنبال روایاتی هستیم که ائمه طاهرين (عليهم السلام) فرموده باشند که ما معصوم هستیم. اگر کلمه «مُطَهَّرٌ» را بیان کنیم، شاید آقایان هزاران اشکال در این مورد مطرح کنند که ما هم مطهر هستیم و کسی هم که وضو می‌گیرد مطهر است.

پرسش:

آیا در کتب روایی شیعه، بابی به عنوان عصمت هم داریم؟

پاسخ:

من بابی در این موضوع ندیدم! سه هفته‌ای که در بیمارستان در آلمان بودیم، مایه برکتی برای ما شد. و ما این روایات را استخراج کردیم. دقت کنید طبق روایت:

«لَا يَجِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْنِبَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنَا وَ عَلِيٌّ»

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ص ۳۳۴، ح ۵

معلوم می‌شود که جنابت داشتند، اما جنابتشان همانند دیگران خبثت‌آور نیست که نتوانند به مسجد بروند یا نتواند دست به قرآن بزنند. به بیان دیگر این حالت در آن‌ها آلودگی باطنی ایجاد نمی‌کند.

روشن است که این بزرگواران هم همانند ما جنب می‌شوند، غسل می‌کنند و بدون اینکه غسل کنند نماز نمی‌خوانند.

(إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ)

من فقط بشری هستم همانند شما، که به من وحی می‌شود.

سوره کهف (۱۸): آیه ۱۱۰

این روایت در کتاب «علل الشرایع» اثر «شیخ صدوق» و همچنین در کتاب «وسائل» اثر «شیخ حر عاملی» وارد شده است. همچنین در کتاب «کافی» وارد شده است که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ طَهَّرَنَا وَ عَصَمَنَا وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَىٰ خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ وَ جَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ - وَ جَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نُفَارِقُهُ وَ لَا يَفَارِقُنَا»

خداوند تبارک و تعالی ما را مطهر و معصوم آفریده است و ما را شهداء در میان خلقش و حجت در زمین قرار داده است، قرآن با ماست و ما با قرآنیم. نه قرآن از ما جدا می‌شود و نه ما از قرآن جدا می‌شویم.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۱۹۱،

ح ۵

همین متن در کتب اهل سنت هم وارد شده است.

«علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض هذا حدیث صحیح الإسناد»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۳۴،

ح ۴۶۲۸

این روایت علاوه بر کتاب «کافی» در کتاب «بصائر الدرجات» جلد ۱ صفحه ۸۳ وارد شده است. جالب است بدانید که «بصائر الدرجات» در عصر ائمه طاهرین (علیهم السلام) نوشته شده است و ارتباطی با قرن سوم و چهارم هجری هم ندارد که این آقا ادعا می کند مسئله عصمت در قرن سوم و چهارم مطرح شده است.

مرحوم «کلینی» متوفای ۳۲۹ است، اما آمده اصول اربعمأة که از عصر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا عصر امام عسکری (علیه السلام) وارد شده است را جمع آوری کرده است.

مرحوم «شیخ حر عاملی» در آخر کتاب «وسائل» بخش فایده چهارم نوشته است که در عصر ائمه طاهرین (علیهم السلام) بیش از ۳۳۰۰ کتاب توسط اصحاب ائمه طاهرین (علیهم السلام) تألیف شد.

از میان این ۳۳۰۰ کتاب حدود ۴۰۰ کتاب به عنوان اصل انتخاب شد که این اصل برای مراجعه روات و فقها برای به دست آوردن احکام شرعی و مسائل اخلاقی و دیگر مسائل بود. در حقیقت از میان این ۳۳۰۰ کتاب حدود ۴۰۰ کتاب به عنوان اصول اربعمأة انتخاب شدند.

در آن زمان اگر شخصی می‌خواست مسئله بگوید، مجبور بود به این چهارصد کتاب مراجعه کند و حکم مسئله را به دست بیاورد. مرحوم «کلینی» حدود ۲۲ سال زحمت کشید و اصول اربعمأة را مَبُوب کرد.

به عنوان مثال اصل «زرارة بن أعین»، «محمد بن مسلم» و یا «زید نرسی» بوده است و آن‌ها خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدند و از آن حضرت چندین سؤال در رابطه با طهارت، نماز، شکیات، جهاد، حج، ارث، نکاح و مسائلی دیگر را پرسیدند و همه اینها در یک روایت جمع‌آوری شده است.

مرحوم «کلینی» سند خودش را تا به اصل «زراره» نقل کرده است و سپس روایاتی که مربوط به جهاد است در کتاب الجهاد برده است، روایتی که مربوط به صلاة است را در کتاب الصلاة برده است، روایتی که مربوط به ارث است را در کتاب الارث برده است.

در حقیقت کتاب «کلینی» مبوب کتاب‌هایی است که در عصر ائمه طاهرين (علیهم السلام) نوشته شده است.

اینکه این شخص ادعا می‌کند که این روایات در عصر ائمه طاهرين (علیهم السلام) نبوده است و در قرن سوم و چهارم بوده است، معلوم می‌شود که فرزند ناخلف حوزه بوده یا به کارهای دیگر می‌پرداخته است و با اولیات حوزه آشنا نبوده است.

کتاب اربعه الفبای حوزه است و اگر شرح حال «کلینی» را در مقدمه کتاب مشاهده کنید، می‌فهمید که «کلینی» کتبی را که از زمان حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) که چهارصد اصل بوده را به یک کتاب تبدیل کرده بنام الکافی!

پرسش:

شاید این افرادی که بیشتر به قرن سوم استناد می‌دهند، دلیلشان این بوده که بیشتر روایات عصمت توسط «شیخ مفید» و «کلینی» بوده است و در آن زمان‌ها نوشته شده است.

پاسخ:

کتاب «بصائر الدرجات» مربوط به عصر معصوم است. صاحب کتاب «بصائر الدرجات» از اصحاب امام رضا و امام هادی (علیهم السلام) بوده است. و اصلاً ارتباطی به قرن سوم و چهارم ندارد

اصلاً ما از این شخص سؤال می‌کنیم شما می‌خواهید نماز صبح بخوانید. از کجا می‌دانید که نماز صبح دو رکعت است؟! آیا معلومات شما غیر از کتاب‌هایی است که «کلینی» و «شیخ طوسی» و دیگران نوشته‌اند؟! آیا غیر از روایات «کلینی» متوفای ۳۲۹ هجری است، «شیخ صدوق» متوفای ۳۸۱ هجری است و «شیخ طوسی» متوفای ۴۶۰ است.

اگر بنا باشد که ما بخواهیم در رابطه با عصمت تشکیک کنیم، در تمام احکام باید تشکیک کنیم.

در این صورت باید بگوییم هیچ‌کدام از این کتب در زمان ائمه معصومین (علیهم السلام) نوشته نشده است؛ بنابراین از درجه اعتبار ساقط است.

این افراد اصلاً از الفبای تفکر حوزوی دور هستند. و یا در قبال پول‌هایی که بیگانگان به این افراد می‌دهند، مجبورند مطلبی بگویند که خوشایند آن‌ها باشد که احتمال این فکر ظاهراً خیلی قوی است.

چند سخنرانی او با این مضمون باعث شد که بتواند در غرب پناهندگی بگیرد. اگر این شخص این حرف‌ها را علیه شیعه نمی‌زد نمی‌توانست پناهندگی بگیرد؛ این افراد با هم معامله می‌کنند.

چند شب قبل یکی از دوستان ما از آلمان تماس گرفته بود و گفت: "من در یک جایی بودم که دیدم خانمی به همراه چند دختر خود به آلمان برای پناهندگی آمده است. آن‌ها را به کلیسا بردند و به آن‌ها گفتند که اگر به همراه دخترهایت

مسیحی شوید برایتان پناهندگی می‌گیریم. این خانم هم از کسانی بود که اهل نماز بود و این مسئله خیلی برای او سخت بود. من به این خانم گفتم که این کار را نکنید و من کار شما را درست می‌کنم."

این شخص تلاش کرده بود و برای این خانم وکیل گرفته بود تا بتواند پناهندگی او را درست کند که دیگر این خانم مجبور نشود مسیحی شود.

در حال حاضر هرکسی می‌خواهد به کشورهای خارجی برود، باید بهانه‌ای داشته باشد تا بتواند پناهندگی بگیرد.

این آقایان به وسیله حرف‌هایی که علیه شیعیان زدند، توانستند پناهندگی بگیرند. حرف زدن بر علیه شیعیان بهترین مستمسک برای سران کشورهای غربی است که خیال کنند امنیت این شخص با این حرف زدن در ایران به خطر می‌افتد.

سران کشورهای غربی به این فکر می‌افتند که ما باید این افراد را جذب کنیم، تقویت کنیم تا بیشتر بر علیه شیعه حرف بزنند.

بنده چهار سال قبل که آمریکا بودم، در واشنگتن سیاتل واقع در غرب آمریکا بالاتر از کالیفرنیا همایشی برگزار شده بود که سخنران اصلی این همایش همین آقای «کدیور» بود. ایشان را از لندن به آمریکا آورده بودند و همین مباحث را هم در آنجا مطرح می‌کرد.

آقایان به بنده اصرار کردند که در این همایش حضور پیدا کنم. بنده هم گفتم به شرطی در این همایش شرکت می‌کنم که به عنوان سخنران آخر در این همایش سخنرانی کنم؛ اما اگر مرا به عنوان سیاهی لشکر دعوت می‌کنید، بنده این کار را خلاف شرع و حرام می‌دانم!!

این شخص منحرف در این همایش صحبتی کرد و ما هم در نیویورک در مرکز اسلامی المهدی سخنرانی کردیم.

ما در نیویورک تنها دو مرکز اسلامی داریم؛ اولین مرکز اسلامی به نام آقای «خوئی» است و دومین مرکز اسلامی به وسیله آقای «سقای بی‌ریا» از شاگردان آیت الله مصباح تأسیس شده است.

مساحت این مرکز اسلامی تقریباً نزدیک به یکی از شبستان‌های مسجد اعظم بود. جمعیت به قدری آمده بود که فقط حدود ۴۰۰ نفر ایستاده بودند و جا برای نشستن نبود. ما در این مرکز اسلامی بحث‌های آقای «کدیور» در واشنگتن را نقد کردیم و آقایان منتشر کردند.

این افراد به دنبال این هستند که حرفی بزنند تا به مذاق غرب خوش بیاید!! در آن جلسه هم دکتر «مصباح» از کانادا آمده بود و در همانجا بحث‌های او را به صورت فلسفی و عقلی نقد کرد، البته نقدهایی که ما داریم نقدهای میدانی است.

بنابراین مشاهده کنید که کتاب «بصائر الدرجات» در عصر ائمه معصومین (علیهم السلام) نوشته شده است. همچنین در کتاب تفسیر نعمانی به نقل مرحوم علامه مجلسی در «بحارالانوار» که امام صادق (علیه السلام) از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) روایتی نقل کرده است و می‌فرماید:

«وَ الْإِمَامُ الْمُسْتَحِقُّ لِلْإِمَامَةِ لَهُ عَلَامَاتٌ فَمِنْهَا أَنْ يَلْعَمَ أَنَّه مَعْضُومٌ مِنَ الدُّنُوبِ كُلِّهَا صَغِيرِهَا وَ كَبِيرِهَا لَا يَزِلُّ فِي
الْفُتْيَا وَ لَا يَخْطِئُ فِي الْجَوَابِ وَ لَا يَسْهُو وَ لَا يَنْسَى وَ لَا يَلْهُو بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۵، ص

۱۶۴، ح ۳۳

حضرت امیرالمؤمنین در این روایت به زیبایی عصمت خودشان را مطرح کرده اند و می‌فرمایند: نه خطا می‌کنند، نه سهو می‌کنند، نه نسیان دارند، نه مشغول کارهای لهوی نسبت به امور دنیا می‌شوند.

اهل سنت هم همین تعبیر را دارند و مضمون آن این است:

«مَا ضَلَّكَ وَلَا ضَلَّ بِي، وَمَا نَسِيتُ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ، وَإِنِّي لَعَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي بَيْنَهَا لَبَيْتُهَا لِي، وَإِنِّي لَعَلَى
الطَّرِيقِ»

جامع الاحادیث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، اسم المؤلف: الحافظ جلال الدين عبد الرحمن

السيوطي، ج ١٦، ص ٢٤٨، ح ٧٩١١

همچنین «حاکم نیشابوری» هم این روایت را از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل کرده است. عبارت «والله
ما كذبت ولا كذبت، ولا ضللت ولا ضلّ بي» در کتب زیادی از منابع اهل سنت ذکر شده است.

روایاتی از زبان دیگر ائمه (علیهم السلام)

همچنین از امام سجاد (علیه السلام) بیان شده است که حضرت فرمودند:

«الإمام مئاً لا يكون إلا مغضوماً و ليست العظمة في ظاهر الخلق فيعرف بها و لذلك لا يكون إلا منصوصاً»

معانی الأخبار، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص ١٣٢، ح ١

همچنین از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت بیان شده است که حضرت فرمودند:

«وَهُمُ الْمَغْضُومُونَ الْمَطْهُرُونَ»

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ١، ص ١٢٤، ح ١

همچنین از امام صادق (علیه السلام) روایتی بیان شده است که حضرت فرمودند:

«فَائِهِ مُطَهَّرٌ مَعْصُومٌ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى»

معانی الأخبار، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص ۳۵۲، ح ۱

همینطور در روایت دیگری از امام حسین (علیه السلام) بیان شده است که حضرت می‌فرمایند:

«مَعْصُوماً مِنَ الزَّلَّاتِ مَوْضِعاً عَنِ الْفَوَاحِشِ»

از هرگونه لغزش معصوم هستند.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۲۰۴، ح ۲

به بیان دیگر از حضرت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) تا امام حسن عسکری (علیه السلام) روایات صریحی داریم که کلمه معصوم از زبان ائمه طاهرين (علیهم السلام) بیان شده است.

حال خودتان قضاوت کنید!! افراد منکر عصمت ائمه علیهم السلام یا انسان‌های بی‌سوادی هستند و یا افراد مغرضی هستند. به قول معروف: «الجمع مهما امکن اولی من الترتک»

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته